

بررسی رابطه بین وجود کمیته حسابرسی و افشای سرمایه فکری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

زهرا مقصودلومحلی، گروه حسابداری، مؤسسه آموزش عالی غیرانتفاعی گلستان، گرگان، ایران

z.magsodlu@yahoo.com

علی خوزین، گروه حسابداری، واحد علی‌آبادکتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی‌آبادکتول، ایران

khozain@yahoo.com

یاسر رضایی، گروه حسابداری، مؤسسه آموزش عالی غیرانتفاعی گلستان، گرگان، ایران

rezaei.yasser@gmail.com

چکیده- هدف از این پژوهش بررسی رابطه‌ی بین وجود کمیته حسابرسی و میزان افشای سرمایه فکری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۹۳ می‌باشد. در این راستا تأثیر وجود کمیته حسابرسی بر میزان افشای سرمایه فکری (سرمایه انسانی، سرمایه ساختاری و سرمایه رابطه‌ای)، برای ۱۰۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با روش همبستگی مورد مطالعه قرار گرفت. برای تحلیل از روش تجزیه و تحلیل رگرسیون چند متغیره مبتنی بر داده‌های پانلی استفاده شده است. نتیجه آزمون فرضیه نشان داد، با در نظر گرفتن متغیرهای کنترلی (اندازه شرکت، عمر شرکت، بازده دارایی‌ها و اهرم)، بین وجود کمیته حسابرسی و میزان افشای سرمایه فکری رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی: کمیته حسابرسی، حاکمیت شرکتی، سرمایه فکری

مقدمه

در سال‌های اخیر، سرمایه فکری به دلیل نقش اساسی آن در فرایندهای خلق ارزش و حفظ مزیت رقابتی شرکت توجه زیادی را از جانب محققان به خود جلب کرده است. در محیط پویای تجاری امروز، شرکت‌ها سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی در دارایی‌های فکری مثل تحقیق و توسعه، توسعه نام تجاری، فرانشیزها و توسعه و توانمندسازی کارکنان انجام داده‌اند که بر اساس استانداردهای جاری حسابداری، بیشتر این سرمایه‌گذاری‌ها در حساب هزینه ثابت یا به صورت اختیاری مستهلک می‌شوند. در نتیجه این دارایی‌ها به طور کامل در صورت‌های مالی افشاء نمی‌شوند و ارزش دفتری شرکت‌هایی

که سرمایه‌گذاری‌های زیادی را در سرمایه‌فکری انجام داده‌اند، با ارزش بازار آنها تفاوت بسیاری دارد و این بدین معناست که صورت‌های مالی سنتی توانایی و مربوط بودن خود را در تصمیمات اقتصادی از دست داده‌اند (منگنا^۱ و همکاران، ۲۰۱۰). یکی از مهمترین چالش‌ها و مشکلات سیستم‌های حسابداری سنتی، عدم انعکاس ارزش سرمایه‌های فکری در صورت‌های مالی و گزارشات واحدهای تجاری است، در حالی که امروزه نقش سرمایه‌های فکری در ایجاد ارزش برای شرکت‌ها و واحدهای تجاری بسیار بیشتر از نقشی است که سرمایه‌های مالی در واحدها ایفا می‌کنند. در این میان، حرفه حسابداری و حسابداران نقش مهمی برای یافتن راه‌های مؤثر جهت کنترل و اندازه‌گیری و سنجش سرمایه‌های فکری به‌وسیله مدل‌ها و روش‌های ارزیابی این سرمایه‌ها برعهده دارند (حجازی و رشیدی، ۱۳۹۱). حفظ منافع عمومی، رعایت حقوق سهامداران، ارتقای شفافیت اطلاعات و الزام شرکت‌ها به ایفای مسئولیت‌های اجتماعی از دیگر مواردی است که امروزه بیش از گذشته، توسط مراجع مختلف نظارتی و اجرایی مورد توجه قرار گرفته است. تحقق این آرمان‌ها مستلزم وجود ضوابط استوار و سازوکارهای اجرایی مناسب است که مهم‌ترین آنان نظام راهبری بنگاه یا حاکمیت شرکتی است. حاکمیت شرکتی بیش از هر چیز، حیات شرکت را در درازمدت هدف قرار داده است و در این راستا سعی دارد تا از منافع سهامداران در مقابل مدیران شرکت‌ها پشتیبانی و از انتقال ناخواسته ثروت میان گروه‌های مختلف و تضییع حقوق عموم و سهامداران جزء جلوگیری کند. وجود یک نظام راهبری مناسب می‌تواند به تحقق استقلال حساب‌رسان مستقل به معنای واقعی آن کمک کند و منجر به ایجاد فضای شفاف اطلاعاتی شود تا در سایه آن بازیگران عرصه اقتصادی تصمیمات آگاهانه‌تری را اتخاذ کنند. در این تحقیق به دنبال بررسی رابطه بین وجود کمیته حسابرسی به‌عنوان یکی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی و میزان افشای سرمایه‌فکری می‌باشیم.

حاکمیت شرکتی

سیستم حاکمیت شرکتی، سازوکاری نظارتی است که وظیفه‌ی اعمال کنترل رفتارهای مالی و مدیریتی را برعهده دارد و هماهنگ با نظام حقوقی و فرهنگی هر شرکت (سازمان) تدوین می‌شود. اگر این اجزا و سازوکارها به درستی اعمال شود، نظارت و کنترل صحیح نیز تحقق می‌یابد (دیدار و دیگران، ۱۳۹۳). در تعریفی دیگر از حاکمیت شرکتی آمده است؛ حاکمیت شرکتی به ساختارها و فرایندهای

تصمیم‌گیری، پاسخگویی و رفتار در سازمان (اعم از دولتی، حکومتی، خصوصی، انتفاعی، غیرانتفاعی و ...) می‌پردازد. هدف از اعمال حاکمیت شرکتی، تحقق اهداف عدالت، پاسخگویی، شفافیت و رعایت حقوق تمامی ذینفعان و همچنین اطمینان از برقراری چارچوبی است که توازن مناسبی بین آزادی عمل مدیریت، پاسخگویی و منافع انواع ذینفعان فراهم آورد. حاکمیت شرکتی بحث چند حوزه‌ای در علوم گوناگونی چون حقوق، اقتصاد، مدیریت، علوم سیاسی و علوم رفتار سازمانی است. این مسئله و گستردگی آن، از دلایل ارائه‌ی تعریف‌های متعدد و متنوع است؛ به طوری که تعریف‌های حاکمیت شرکتی از دیدگاه محدود مبتنی بر تئوری نمایندگی تا دیدگاه گسترده مبتنی بر تئوری ذینفعان متغیر است (نیک‌بخت و طاهری، ۱۳۹۳).

کمیته حسابرسی

کمیته حسابرسی بخش اساسی فرایند گزارشگری مالی شرکت‌هاست. مسئولیت اصلی آن نظارت بر سلامت رویه‌ها و کنترل‌های گزارشگری مالی اعمال شده توسط مدیریت در راستای حمایت از حقوق سهامداران و سایر ذینفعان است که به نیابت از هیئت‌مدیره صورت می‌گیرد. کمیته‌های حسابرسی از طریق نظارت موثر و آگاهانه نقش ارزشمندی را در کمک به جلب اعتماد بازار به گزارشگری مالی با کیفیت بالا ایفا می‌کنند و یکی از حلقه‌های اصلی زنجیره ارزش گزارشگری شرکت، محسوب می‌شوند. براساس ماده ۱۰ دستورالعمل کنترل‌های داخلی برای ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران، مدیریت ارشد شرکت باید کمیته حسابرسی را زیر نظر هیئت‌مدیره مطابق با ضوابط سازمان بورس و اوراق بهادار تشکیل دهد. اعضای کمیته حسابرسی باید متشکل از ۳ تا ۵ نفر و اکثریت آنها مستقل و دارای تخصص مالی باشند و ریاست کمیته با عضو مستقل یا عضو غیرموظف هیئت‌مدیره است. علاوه بر این، شرکت باید واحد حسابرسی داخلی را زیر نظر کمیته حسابرسی، تشکیل دهد، بدین ترتیب کمیته حسابرسی می‌تواند از خدمات این واحد نحو موثری در راستای برنامه‌ریزی و گزارشگری مطلوب سرمایه‌های فکری، بهره‌مند شود (مومن‌زاده، ۱۳۹۲).

اهمیت افشا

در فرهنگ حسابداری افشا یک واژه فراگیر بوده و به عنوان یکی از اصول حسابداری طبقه‌بندی می‌شود که تمامی فرآیندهای بااهمیت مالی را دربر گرفته و بر کلیه جوانب مالی مؤثر می‌باشد. سهامداران جزء به عنوان افرادی که از اطلاعات درونی شرکت آگاهی کافی ندارند، هر ساله توجه خود را به

اطلاعات افشا شده توسط شرکت‌ها به عنوان چشم‌اندازی برای آینده جلب می‌کنند. استفاده‌کنندگان با توجه به موارد افشاء شده در مورد سرمایه‌گذاری خود تصمیم‌گیری می‌نمایند. براساس نظر هیأت تدوین استانداردهای حسابداری مالی تصمیمات سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان و استفاده آنها از اطلاعات، دارای گستردگی بسیار بیشتری نسبت به سایر گروه‌ها می‌باشد. به همین دلیل تصمیمات اتخاذ شده توسط آنها براساس اطلاعات افشاء شده دارای تأثیرات عمده‌ای در تخصیص منابع اقتصادی یک کشور می‌باشد. می‌توان گفت که افشاء کامل، به موقع و داوطلبانه اطلاعات عاملی است که باعث سالم‌سازی بازار سرمایه گشته و از معاملات افرادی که به نحوی به اطلاعات منتشر شده دسترسی دارند جلوگیری می‌نماید و همچنین باعث آشکار شدن گزینه‌های جدید و یا حذف گزینه‌های ضعیف می‌شود و سرانجام افراد را تحت تأثیر قرار داده و آنان را به سمت اتخاذ تصمیم صحیح سوق می‌دهد (حسینی و حسینی، ۱۳۸۹).

سرمایه فکری

تاکنون تعاریف مختلفی از سرمایه فکری ارائه شده است، نخستین تعریف را اقتصاددانی به نام جان کنت گالبریت، در سال ۱۹۶۹ به کار برد. در این تعریف «کنش فکری» چیزی فراتر از مفهوم تفکر به منزله «تفکر محض» است. به کارگیری این نگرش به این معناست که احتمالاً سرمایه‌ی فکری، پویاتر از شکل ثابت سرمایه است. به عقیده‌ی وی، سرمایه‌ی فکری وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف سازمان است (ادوینسون و پاتریک، ۱۹۹۶). بونتیس سرمایه‌ی فکری را مجموعه‌ای از دارایی‌های نامشهود تعریف می‌کند که از عملکرد سازمان به وجود می‌آید و می‌تواند برای سازمان خلق ارزش کند. رز، بیکه و فرنسترن (۲۰۰۵) نیز سرمایه‌ی فکری را تمامی منابع غیرفیزیکی و غیرپولی تعریف کردند که به طور کامل یا جزئی از طریق سازمان کنترل شده و برای آن ثروت ایجاد می‌کند. کاپلان و نورتون (۱۹۹۶) نیز دارایی‌های نامشهود خارج از ترازنامه را که شامل سرمایه‌ی انسانی، اطلاعاتی و سازمانی است، سرمایه‌ی فکری می‌شناسند. ویژگی بارز این دارایی‌ها این است که در بازار مبادله نمی‌شوند و در حال حاضر نیز امکان نظارت، کنترل و تعیین میزان این دارایی‌ها در سیستم حسابداری میسر نیست. درخصوص عناصر سرمایه‌ی فکری نیز همانند تعریف آن، اجماع نظری وجود ندارد. با وجود این، عموماً سرمایه‌ی فکری را به سه بخش سرمایه انسانی، سرمایه ساختاری، و سرمایه ارتباطی یا مشتری تقسیم می‌کنند (عبدالله و سوفیانا، ۲۰۱۲).

سرمایه انسانی به قابلیت‌ها، مهارت‌ها و تخصص اعضای انسانی سازمان اطلاق می‌شود. هدف اولیه و اصلی سرمایه انسانی، نوآوری در کالاها و خدمات و بهبود فرایندهای تجاری است. مهم‌ترین شاخص‌های سرمایه انسانی، شایستگی حرفه‌ای و تخصصی کارکنان کلیدی، تحصیلات، تجربه، تعداد افراد با تجربه‌های قبلی مرتبط و همچنین، توزیع دقیق مسئولیت‌ها در ارتباط با مشتریان است (عبدالله و سوفیانا، ۲۰۱۲).

سرمایه ساختاری به ذخایر غیرانسانی دانش در سازمان اطلاق می‌گردد و مواردی چون، حقوق اختراعات و دانش نهادینه شده در ساختارها، فرایندها و فرهنگ سازمانی را دربر می‌گیرد. سرمایه ساختاری ظرفیت‌هایی برای درک نیازهای بازار است و دانشی است که در پایان هر روز کاری در سازمان باقی می‌ماند و به کل سازمان تعلق دارد، امکان تولید مجدد داشته و می‌توان آن را با دیگران به اشتراک گذاشت. این نوع سرمایه به کمک مزایای رقابتی یک شرکت، به اضافه‌ی توانایی‌های کارکنان آن به وجود می‌آید (انواری رستمی و رستمی، ۱۳۸۲).

سرمایه مشتری (ارتباطی) شامل وابستگی‌های برون سازمانی، مانند وفاداری مشتریان، حسن شهرت و روابط شرکت با تأمین‌کنندگان منابع آن است. این موضوع از طریق ارزش دریافتی یک مشتری به‌ازای انجام معامله با سازمان تعریف می‌شود. سرمایه مشتری دربر دارنده‌ی مواردی چون، ارزش امتیازهای تحت تملک شرکت، روابط آن با افراد و سازمان‌های مرتبط با مشتریان، سهم بازار، میزان نگهداری یا از دست دادن مشتریان و همچنین، سودآوری خالص به‌ازای هر مشتری است (انواری رستمی و رستمی، ۱۳۸۲).

پیشینه پژوهش

تحقیقات انجام شده در داخل کشور

مومنی و همکاران (۱۳۹۳)، تحقیقی با عنوان مطالعه متغیرهای تاثیرگذار بر افشای سرمایه فکری در شرکت‌های پذیرفته شده بورس تهران انجام داده‌اند و نتایج تحقیق در قالب شش فرضیه نشان می‌دهد شرکت‌هایی که نظام راهبری نسبتاً قوی دارند، تمایل به افشای بیشتر نظام راهبری خود دارند. یکی از دلایل احتمالی در پیش گرفتن چنین رویکردی این است که مدیران چنین شرکت‌هایی با تقویت افشا قصد نمایش عملکرد مناسب و دریافت پاداش و سایر منافع شخصی در بازار تخصص مدیران را دارند.

عباس تفرشی و علوی طبری (۱۳۹۱)، به بررسی رابطه‌ی برخی سازوکارهای نظام راهبری شرکتی و میزان افشای سرمایه فکری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۸۹ پرداختند. در این راستا تأثیر برخی شاخص‌های نظام راهبری شرکتی (اندازه هیئت‌مدیره، ترکیب هیئت‌مدیره، یکسان بودن مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره و وجود بخش حسابداری داخلی) بر میزان افشای سرمایه فکری برای ۱۲۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به روش رگرسیون پانل دیتای پواسن بررسی شد. نتایج نشان داد بین تعداد مدیران و میزان افشای سرمایه فکری رابطه‌ی معنادار منفی وجود ندارد (رابطه‌ی معنادار وجود ندارد)؛ بین درصد اعضای غیرموظف و میزان افشای سرمایه فکری رابطه‌ی معنادار مثبت وجود دارد؛ بین یکسان بودن مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره و میزان افشای سرمایه فکری رابطه‌ی معنادار منفی وجود دارد و بین وجود بخش حسابداری داخلی و میزان افشای سرمایه فکری رابطه‌ی معنادار مثبت وجود ندارد (رابطه‌ی معناداری وجود ندارد).

تحقیقات انجام شده در خارج کشور

مناکین و همکاران (۲۰۱۵)، تحقیقی با عنوان رابطه بین افشای سرمایه فکری و حاکمیت شرکتی در شرکت‌های بنگلادش انجام داده‌اند. آنها ۱۳۵ نمونه از شرکت‌های غیرمالی بنگلادشی را طی سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۰۹ مورد بررسی قرار داده و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از رگرسیون خطی استفاده نمودند. با آزمون و بررسی فرضیات مشخص شد که مالکیت خارجی، استقلال هیئت‌مدیره و حضور کمیته حسابرسی به طور مثبت با میزان افشای سرمایه فکری مرتبط است. نتایج همچنین نشان داد یک رابطه غیرخطی بین مالکیت خانوادگی و میزان افشای سرمایه فکری وجود دارد.

لی، مانگنا و پیکه (۲۰۱۲)، به ارزیابی رابطه میان ویژگی‌های کمیته حسابرسی و افشای سرمایه فکری، در قالب ۱۰۰ شرکت بریتانیایی طی سال ۲۰۰۵ پرداختند. یافته‌های پژوهش رابطه مثبت و معناداری را بین اندازه و تعداد جلسه‌های کمیته حسابرسی با افشای سرمایه فکری نشان می‌دهد. همچنین رابطه منفی بین درصد مالکیت اعضای کمیته حسابرسی با افشای سرمایه فکری در این پژوهش تأیید شده است. علاوه بر این، نتایج نشان می‌دهد که بین استقلال کمیته حسابرسی و دارا بودن تخصص مالی با افشای سرمایه فکری رابطه معناداری وجود ندارد. این پژوهش وجود رابطه بین

ویژگی‌های کمیته حسابرسی با اجزای سرمایه فکری (سرمایه انسانی، سرمایه ساختاری و سرمایه مشتری) را به‌طور مستقل تأیید می‌کند.

تالیانگ و یوسپ (۲۰۱۱)، در پژوهشی به بررسی میزان افشای سرمایه فکری و رابطه بین افشای سرمایه فکری و سازوکارهای نظام راهبری شرکتی در شرکت‌های سهامی عام کشور مالزی پرداختند. متغیر مستقلی که در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفت، نظام راهبری شرکتی بود که شامل چهار متغیر ترکیب هیئت‌مدیره، دو نقشی بودن مدیرعامل (مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره یک نفر باشد)، اندازه کمیته حسابرسی و کثرت جلسات کمیته حسابرسی بود. یک نمونه ۱۵۰ تایی از شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار مالزی از پنج صنعت مورد بررسی قرار گرفت و برای تجزیه تحلیل داده‌ها از مدل رگرسیون خطی استفاده شد. از چهار متغیر مستقل آزمون شده، تنها کثرت جلسات کمیته حسابرسی به‌طور مثبت و معنادار با میزان افشای سرمایه فکری رابطه داشت. نتایج نشان داد ۷۲.۶ درصد از شرکت‌های انتخاب شده، سرمایه فکری را در گزارش‌های سالانه خود افشا می‌کنند. با این وجود، میزان افشای سرمایه فکری در بین شرکت‌های مالزیایی تقریباً ۳.۴۵ درصد و بسیار کم است. هر چند بیشتر شرکت‌های مالزیایی درباره‌ی سرمایه فکری آگاهی دارند اما نمی‌دانند که چه‌طور این اطلاعات را در گزارش‌های سالانه اندازه‌گیری و افشا کنند.

نورئی و همکاران (۲۰۱۱)، در پژوهشی به بررسی گزارشگری سرمایه فکری در کشورهای در حال توسعه‌ی آسیای جنوبی پرداختند. در این پژوهش ۹۰ شرکت غیرمالی کشور بنگلادش طی سال ۲۰۰۸-۲۰۰۹، به عنوان نمونه انتخاب شدند و مورد بررسی قرار گرفتند. برای تجزیه و تحلیل، از روش تحلیل محتوای گزارش‌های سالانه استفاده شد. در این پژوهش از یک فهرست افشای تعدیل شده و تجزیه و تحلیل رگرسیون حداقل مربعات برای آزمون رابطه بین ویژگی‌های شرکت (از جمله عمر شرکت، جمع دارایی‌ها و کل فروش، ارزش بازار شرکت، ریسک نقدینگی، درصد اعضای کمیته حسابرسی به تعداد اعضای هیئت‌مدیره، تمرکز مالکیت، شهرت حسابرسی شرکت و میزان گزارشگری سرمایه فکری، استفاده شد. نتایج نشان داد با وجود اینکه ارزش بازار سهام شرکت‌ها به‌طور معناداری رو به رشد است، تمایل به افشای سرمایه فکری وجود ندارد و ۵۴ درصد از شرکت‌های نمونه بین ۵.۸ تا ۱۰.۶ درصد به افشای سرمایه فکری پرداخته‌اند. همچنین نتایج تأیید کرد که اندازه شرکت و نوع صنعت در افشای سرمایه فکری به‌طور معناداری مؤثر هستند.

فرضیه‌ی پژوهش

بین وجود کمیته حسابرسی و افشای سرمایه فکری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از لحاظ طبقه‌بندی برحسب هدف، پژوهشی کاربردی بوده و از نظر طبقه‌بندی بر مبنای روش، تحقیق توصیفی محسوب می‌شود و از میان پژوهش‌های توصیفی، از نوع همبستگی است، زیرا رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته را بررسی می‌کند. در این تحقیق برای گردآوری اطلاعات از روش‌های کتابخانه‌ای برای مبانی نظری، و از روش‌های میدانی برای اطلاعات فرضیه‌ها و اهداف استفاده می‌شود. دوره زمانی پژوهش حاضر، فاصله زمانی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۳ است. داده‌های لازم برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از طریق مراجعه به گزارش هیئت مدیره و صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی شرکت‌های منتخب، پایگاه اینترنتی بورس اوراق بهادار و دیگر پایگاه‌های مرتبط استخراج می‌شود. دلیل انتخاب شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دسترسی آسان به اطلاعات مالی شرکت‌ها، قابلیت اتکای بالای اطلاعات و قابل مقایسه بودن این گونه اطلاعات است. نمونه‌گیری به روش حذفی سیستماتیک انجام شد. ویژگی‌هایی که برای انتخاب شرکت‌های نمونه در نظر گرفته شد، به این شرح است: ۱- پایان سال مالی ۲۹ اسفند باشد. ۲- جزء بانک‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و بیمه نباشد. ۳- طی سال‌های مورد بررسی شرکت تغییر سال مالی نداده باشد. حجم نمونه در این پژوهش ۱۰۰ تا از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات و آزمون فرضیه‌ها

به منظور بررسی مشخصات عمومی متغیرها، همچنین برآورد مدل و تجزیه و تحلیل دقیق آنها، آشنایی با آمار توصیفی مربوط به متغیرها لازم است. آمار توصیفی به محاسبه پارامترهای جامعه می‌پردازد و شامل شاخص‌های مرکزی و پراکندگی جامعه و ... می‌باشد. در نگاره ۱ آمار توصیفی متغیرهای پژوهش شامل میانگین، میانه، بیشینه، کمینه، انحراف معیار و ... آورده شده است. به‌عنوان مثال برای

متغیر شاخص افشای سرمایه فکری (ICDI) میانگین، میانه، ماکزیمم و مینیمم به ترتیب ۰.۴۲۹، ۰.۴۲۴، ۰.۸ و ۰.۱۱۴ می‌باشد.

نگاره ۱- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

	ICDI شاخص افشای سرمایه فکری	AUDCOM وجود کمیته حسابرسی	ASSEST دارایی‌ها	AGE عمر شرکت	ROA بازده دارایی	LEV اهرم
میانگین	0.4242	0.19142	4.53E+12	35.900	0.14773	0.617
میانه	0.4290	0.0	8.60E+11	39.000	0.131	0.617
بیشینه	0.8	1	1.80E+14	63.000	0.635	2.356
کمینه	0.1140	0.0	2.40E+10	9.00	-0.285	0.012
انحراف معیار	0.1421	0.3937	1.46E+13	12.622	0.1268	0.240
ضریب چولگی	0.0960	1.56863	6.903185	-0.2912	0.5528	1.302
ضریب کشیدگی	2.3983	3.46063	61.05697	1.9415	3.8584	10.80
مشاهدات	700	700	700	700	700	700

در نگاره ۲ میزان همبستگی بین متغیرهای پژوهش در سطح $(sig \leq 0.05)$ نشان داده شده است. به‌عنوان مثال میزان ضریب همبستگی بین متغیر عمر شرکت و افشای سرمایه فکری به میزان -0.002 می‌باشد که در سطح خطای ۰.۰۵ معنی‌دار می‌باشد.

نگاره ۲- ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

	ICDI شاخص افشای سرمایه فکری	AUDCOM وجود کمیته حسابرسی	SIZE اندازه شرکت	AGE عمر شرکت	ROA بازده دارایی	LEV اهرم
ICDI	1.000000					
AUDCOM	0.169123	1.000000				
SIZE	0.195462	0.135104	1.000000			
AGE	-0.002752	0.098572	-0.062892	1.000000		
ROA	0.181515	0.215514	0.080255	-0.054803	1.000000	
LEV	0.009982	-0.140763	-0.070658	0.072311	-0.455339	1.000000

تعیین روش بکارگیری داده‌های ترکیبی

پیش از تخمین مدل با استفاده از داده‌های ترکیبی، باید در مورد روش مناسب بکارگیری این گونه داده‌ها در تخمین، تصمیم‌گیری نمود. ابتدا باید مشخص شود که اصولاً نیازی به در نظر گرفتن ساختار پانل داده‌ها (تفاوت‌ها یا اثرات خاص شرکت) وجود دارد یا اینکه می‌توان داده‌های مربوط به شرکت‌های مختلف را ادغام (Pooling) کرد و از آن در تخمین مدل استفاده نمود. در تخمین‌های تک معادله‌ای، برای اخذ تصمیم اخیر از آماره آزمون F (لیمر) استفاده می‌شود. براساس نتایج این آزمون، درباره رد یا پذیرش فرضیه برابری آثار ثابت خاص شرکت‌ها و در نهایت درباره انتخاب روش کلاسیک یا روش داده‌های پانل تصمیم‌گیری می‌شود. نگاره ۳ نتایج آزمون چاو (آماره F) مربوط به فرضیه یاد شده را در مورد مدل‌های تحقیق نشان می‌دهد:

نگاره ۳- نتایج آزمون F (لیمر) برای انتخاب روش ترکیبی (Pooling) یا تلفیقی (Panel)

مدل	فرضیه صفر (H_0)	آماره F	درجه آزادی	p-value	نتیجه آزمون
مدل پژوهش	اثرات خاص شرکت معنی‌دار نیستند (روش Pooling مناسب است)	42.727507	(99,593)	0.0000	H_0 رد می‌شود (روش داده‌های پانل انتخاب می‌شود)

همان‌گونه که در نگاره ۳ دیده می‌شود در سطح اطمینان ۹۵ درصد، در مدل پژوهش فرض صفر آزمون رد شده است، بنابراین باید از روش داده‌های پانل استفاده نمود. در نتیجه بحث انتخاب از بین مدل‌های اثرات ثابت و تصادفی پیش می‌آید که برای این منظور از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. نتایج آزمون هاسمن برای مدل‌های پژوهش به شرح نگاره ۴ می‌باشد:

نگاره ۴- نتایج آزمون هاسمن برای انتخاب بین مدل اثرات ثابت و اثرات تصادفی

مدل	فرضیه صفر (H_0)	آماره χ^2	درجه آزادی	p-value	نتیجه آزمون
مدل پژوهش	روش اثرات تصادفی مناسب است	42.010072	7	0.0000	H_0 رد می‌شود (روش اثرات ثابت مناسب است)

نتیجه نگاره ۴، بیانگر آن است که در مدل پژوهش باید از روش اثرات ثابت استفاده نمود. در این پژوهش برای بررسی وجود مشکل ناهمسانی واریانس از آزمون بروش پاگان - کوک و ویسبرگ استفاده شده است.

نگاره ۵- نتایج آزمون آزمون بروش پاگان - کوک و ویسبرگ برای کشف ناهمسانی واریانس

نتیجه آزمون	p-value	آماره χ^2 بروش پاگان - کوک و ویسبرگ	فرضیه صفر (H_0)	مدل
H_0 تأیید می‌شود (ناهمسانی واریانس وجود ندارد)	0.9010	0.02	واریانس‌ها همسانند	مدل پژوهش

بنابر نتایج حاصل از این آزمون که در نگاره ۵ آورده شده است، در مدل پژوهش مشکل ناهمسانی واریانس وجود ندارد (زیرا احتمال یا p-value محاسبه شده بزرگتر از ۰.۰۵ است). بنابراین تخمین نهایی مدل با استفاده از آزمون OLS صورت می‌گیرد.

نتیجه آزمون فرضیه

نتایج حاصل از برآورد مدل به شرح نگاره ۶ می‌باشد.

$$ICDI_{it} = \alpha + \beta_1 AUDCOM_{it} + \beta_2 FSIZE_{it} + \beta_3 FAGE_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیر وابسته

ICDI_{it}: برای شاخص افشای سرمایه فکری از چک‌لیست افشا استفاده شده است، بدین صورت که اگر اطلاعات مربوط به شاخصی از سرمایه فکری در گزارش هیئت‌مدیره افشا شده باشد، آن شاخص ارزش یک و اگر افشا نشده باشد ارزش صفر گرفته است.

متغیر مستقل

AUDCOM_{it}: اگر در یک شرکت کمیته حسابرسی وجود داشته باشد این متغیر عدد یک در غیر این صورت عدد صفر می‌گیرد.

متغیرهای کنترل

FSIZE_{it}: لگاریتم مجموع دارایی‌ها

FAGE_{it}: لگاریتم تعداد سال از زمان تأسیس شرکت

LEV_{it}: نسبت ارزش دفتری کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها

ROA_{it}: نسبت سود قبل از بهره و مالیات به کل دارایی‌ها

نگاره ۶- خلاصه نتایج آماری آزمون مدل

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری (sig)	VIF
C	-0.426255	0.186335	-2.287570	0.0225	-----
AUDCOM (وجود کمیته حسابرسی)	-0.017102	0.006689	-2.556655	0.0108	۱.۱
SIZE (اندازه شرکت)	0.015906	0.007869	2.021365	0.0437	۱
AGE (عمر شرکت)	0.010046	0.001575	6.380320	0.0000	۱
ROA (بازده دارایی)	0.004848	0.028768	0.168522	0.8662	۱.۳
LEV (اهرم)	0.028612	0.015560	1.838815	0.0664	۱.۳
آماره F فیشر (سطح معنی داری)	۵۱.۸۴۳۳۳ (۰.۰۰۰)	آماره دوربین واتسن	۱.۶		
ضریب تعیین	۰.۹۰	ضریب تعیین تعدیل شده	۰.۸۸		

فرضیه پژوهش مبنی بر این است که بین وجود کمیته حسابرسی (AUDCOM) و افشای سرمایه فکری (ICDI) در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. ضریب برآوردی متغیر وجود کمیته حسابرسی (AUDCOM) در نگاره ۶ نشان‌دهنده وجود رابطه منفی و معنی دار بین وجود کمیته حسابرسی (AUDCOM) و افشای سرمایه فکری (ICDI) در سطح خطای ۰.۰۵ است. زیرا میزان p-value محاسبه شده برای ضریب این متغیر مستقل تحقیق، کمتر از ۰.۰۵ بدست آمده است. بنابراین بین میزان وجود کمیته حسابرسی (AUDCOM) و افشای سرمایه فکری (ICDI) در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه منفی و معنی داری وجود دارد. و برخلاف فرضیه پژوهش این رابطه مثبت (مستقیم) نمی‌باشد.

نتایج آزمون متغیرهای کنترل

ضریب برآوردی متغیر اندازه شرکت (SIZE) در نگاره ۶ نشان‌دهنده وجود رابطه مثبت و معنادار این متغیر با افشای سرمایه فکری (ICDI) در سطح خطای ۰.۰۵ است. زیرا میزان p-value محاسبه شده برای ضریب این متغیر مستقل تحقیق، کمتر از ۰.۰۵ بدست آمده است. بنابراین می‌توان گفت که بین اندازه شرکت (SIZE) و افشای سرمایه فکری (ICDI) در سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه معناداری و مثبت

(مستقیم) دارد؛ یعنی هر چه مقدار اندازه شرکت (SIZE) بالاتر رود، میزان افشای سرمایه فکری (ICDI) بیشتر خواهد شد.

ضریب برآوردی متغیر عمر شرکت (AGE) در نگاره ۶ نشان‌دهنده وجود رابطه مثبت و معنادار این متغیر با افشای سرمایه فکری (ICDI) در سطح خطای ۰.۰۵ است. زیرا میزان p-value محاسبه شده برای ضریب این متغیر مستقل تحقیق، کمتر از ۰.۰۵ بدست آمده است. بنابراین می‌توان گفت که بین عمر شرکت (AGE) و افشای سرمایه فکری (ICDI) در سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه معناداری و مثبت (مستقیم) دارد؛ یعنی هر چه مقدار عمر شرکت (AGE) بالاتر رود، میزان افشای سرمایه فکری (ICDI) بیشتر خواهد شد.

ضریب برآوردی متغیر بازده دارایی (ROA) در نگاره ۶ نشان‌دهنده عدم وجود رابطه معنادار این متغیر با افشای سرمایه فکری (ICDI) در سطح خطای ۰.۰۵ است. زیرا میزان p-value محاسبه شده برای ضریب این متغیر مستقل تحقیق، بیشتر از ۰.۰۵ بدست آمده است. بنابراین می‌توان گفت که بین متغیر بازده دارایی (ROA) و افشای سرمایه فکری (ICDI) در سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه معناداری وجود ندارد.

ضریب برآوردی متغیر اهرم (LEV) در نگاره ۶ نشان‌دهنده وجود رابطه مثبت و معنادار این متغیر با افشای سرمایه فکری (ICDI) در سطح خطای ۰.۱۰ است. زیرا میزان p-value محاسبه شده برای ضریب این متغیر مستقل تحقیق، کمتر از ۰.۱۰ بدست آمده است. بنابراین می‌توان گفت که بین اهرم (LEV) و افشای سرمایه فکری (ICDI) در سطح اطمینان ۹۰٪ رابطه معناداری و مثبت (مستقیم) دارد؛ یعنی هر چه مقدار اهرم (LEV) بالاتر رود، میزان افشای سرمایه فکری (ICDI) بیشتر خواهد شد.

بحث و نتیجه‌گیری

سرمایه فکری از مهم‌ترین دارایی‌های یک بنگاه است و نقش آن را در تولید ثروت سازمان نمی‌توان نادیده گرفت. یک راه مناسب برای شناخت کافی از وضعیت سرمایه فکری، تقویت افشا و گزارش آن در گزارش‌های سالانه است. حتی شرکت‌ها می‌توانند گزارش‌های جداگانه در این زمینه ارائه کنند. افشای سرمایه فکری به معنای ایجاد تصویری از تلاش‌های شرکت در مسیر پیشرفت، توسعه، تقویت منابع و شایستگی‌هایی است که در رابطه با کارکنان، مشتریان، فناوری و فرآیندها انجام می‌شود. گزارش سرمایه فکری میزان افزایش در ارزش آینده شرکت و نیز قابلیت رقابتی بودن شرکت در

یک اقتصاد دانشی را نشان می‌دهد. کمیته حسابرسی به عنوان یکی از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی باید کنترل داخلی را بهبود بخشد، در جهت کاهش هزینه‌های نمایندگی اقدام نماید و به عنوان ابزاری قدرتمند جهت بهبود افشای سرمایه فکری به شمار رود (Li, Mangena, & Pike, 2012). به طور قابل ملاحظه، تحقیقات نشان داده‌اند کمیته حسابرسی با گزارشگری مالی قابل اعتماد، بالا بردن کیفیت و سطح افشا مرتبط است (Ho & Shun Wong, 2001). بنابراین انتظار می‌رود در شرکت‌هایی که دارای کمیته حسابرسی داخلی هستند میزان افشای سرمایه فکری بالا باشد، اما نتیجه آزمون فرضیه خلاف انتظار می‌باشد. نتیجه آزمون فرضیه با نتیجه پژوهش متاکین و همکاران (۲۰۱۵) و عباس تفرشی و علوی (۱۳۹۱) مطابقت نداشت.

پیشنهادات برای پژوهش‌های آتی

- ۱- انجام این پژوهش با در نظر گرفتن متغیرهای کنترلی متفاوت نظیر نرخ بهره، میزان مالکیت سهامداران نهادی و ...
- ۲- در نظر گرفتن عامل کیفیت در افشای سرمایه فکری
- ۳- تکرار این پژوهش با در نظر گرفتن یک رویداد خاص مثل عرضه اولیه سهام

«برگفته از مجموعه مقالات پنجمین کنفرانس ملی علوم مدیریت نوین - ۲۵ شهریور ماه ۱۳۹۵»

منابع

۱. انواری رستمی، علی اصغر. و رستمی، محمدرضا (۱۳۸۲)، "ارزیابی مدل‌ها و روش‌های سنجش ارزش‌گذاری سرمایه‌های فکری شرکت‌ها"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال دهم، شماره ۳۴، صص ۵۷-۵۱.
۲. حجازی، رضوان؛ رشیدی، میترا (۱۳۹۱)، "عوامل مؤثر بر افشای سرمایه فکری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال چهارم، شماره ۱۶، صص ۱۲۱-۹۵.

۳. حسنی، محمد؛ حسینی، سیدمحمدبشیر (۱۳۸۹)، "بررسی رابطه سطح افشا اطلاعات حسابداری و نوسانات قیمت سهام در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، پژوهشنامه اقتصاد و کسب و کار، دوره یک، شماره ۲، صص ۸۴-۷۵.
۴. دیدار، حمزه و دیگران (۱۳۹۳)، "بررسی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر شکاف مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۱، شماره ۴، صص ۴۳۰-۴۰۹.
۵. عباس تفرشی، زهره (۱۳۹۱)، "تأثیر نظام راهبری شرکتی بر افشای سرمایه فکری"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهرا (س).
۶. مؤمن‌زاده، محمد مهدی؛ مؤمن‌زاده، محمد هادی، (۱۳۹۲)، "سرمایه‌های فکری و کمیته حسابرسی"، ماهنامه بورس، سال نهم، شماره ۱۰۸، صص ۵۳-۵۲.
۷. مؤمنی، علیرضا؛ رضا شهابی و سعید جابری (۱۳۹۳)، "مطالعه متغیرهای تاثیرگذار بر افشای سرمایه فکری در شرکت‌های پذیرفته شده بورس تهران"، سومین کنفرانس ملی حسابداری و مدیریت، تهران، موسسه اطلاع رسانی نارکیش.
۸. نیک‌بخت، محمدرضا؛ طاهری، زهرا (۱۳۹۳)، "بررسی رابطه بین سازوکارهای راهبری شرکتی و ریسک سیستماتیک"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۱، شماره ۱، صص ۱۲۶-۱۰۹.

9. Abdullaha, D. & Sofiana, S . (2012). "The Relationship between Intellectual Capital and Corporate Performance", *Procedia – Social and Behavioral Sciences*. (40): 537–541.
10. Edvinsson, L., Patriek, S. (1996). "Developing a Model for Managing Intellectual Capital". *European Management Journal*, 14 (4): 346-364.
11. Ho, S. S., & Shun Wong, K. (2001). "A study of the relationship between corporate governance structures and the extent of voluntary disclosure". *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, Vol 10, No 2, pp 139–156.
12. Kaplan, R.S., Norton, D.P. (1996). "Using the balanced scorecard as strategic management system". *Harvard Business Review*, (January/February): 75-85.
13. Li, J., Mangena, M., & Pike, R. (2012). "The effect of audit committee characteristics on intellectual capital disclosure". *The British Accounting Review*, Vol 44, No 2, pp 98–110.

14. Mangena, M, Pike R & Li J. (2010), "Intellectual Capital Disclosure Practices and Effects on the Cost of Equity Capital: UK Evidence", the Institute of Chartered Accountants of Scotland CA House, 21 Haymarket Yards.
15. Muttakin, M., Khan, A., & Belal, A. (2015). "Intellectual capital disclosures and corporate governance: An empirical examination". *Advances in Accounting*, Vol 31, No 2, pp 219-227.
16. Nurunnabi, M., Hossain, M., & Hossain, M. (2011). "Intellectual capital reporting in a South Asian country: Evidence from Bangladesh". *Journal of Human Resource Costing & Accounting*, Vol 15, No 3, pp 196-233.
17. Roos, G., Pike, S. & Fernstrn, L. (2005). "Managing Intellectual Capital in Practice". Oxford: Butterworth-Heinemann.
18. Taliyang, Siti Mariana & Mariana Jusop. (2011). "Intellectual Capital Disclosure and Corporate Governance Structure: Evidence in Malaysia". *International Journal of Business and Management*, Vol. 6, No, PP.109-117.